

مجلس شورای اسلامی و مسأله پایان جنگ ایران و عراق

فاطمه امیری پری

دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب

اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

amiripari.f@gmail.com

علیرضا ملایی توانی

دانشیار تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

mollainet@yahoo.com

حمید بصیرت‌منش

استادیار تاریخ پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران

basirat1341@yahoo.com

چکیده: از مهم‌ترین مسائل سیاسی کشور در آغازین سال‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی، حمله عراق به ایران است که سرانجام به دلیل مشکلات اقتصادی و نظامی ایران و قدرت‌گیری عراق به واسطه حمایت بین‌المللی، با قبول قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران پایان یافت. اهمیت پذیرش قطعنامه و پایان جنگ، لزوم بررسی نقش تصمیم‌گیرندگان در این زمینه را طلب می‌نماید. بر همین مبنا، نوشتار پیش‌رو درصدد است با روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه، به نقش مجلس شورای اسلامی در تصمیم‌گیری در خصوص پایان جنگ بپردازد. پرسش اصلی این است که مجلس شورای اسلامی چه نقش و تأثیری در نحوه تصمیم‌گیری ایران در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بر عهده داشته است؟ یافته پژوهش نشان می‌دهد وجود نهادهایی چون رهبری، شورای عالی دفاع و دولت با اختیارات ویژه در سیاست خارجی، شرایط حساس برهه زمانی و محرمانه بودن تصمیمات، کندی روال تصمیم‌گیری در مجلس به واسطه ویژگی‌های ساختاری و همچنین انفصال بین مجلس و نهادهای ذی‌نفوذ در بررسی موضوع، زمینه تأثیرپذیری مجلس از تصمیمات اخذ شده دیگر نهادهای سیاسی را فراهم نمود.

کلیدواژه‌ها: مجلس شورای اسلامی، جنگ ایران و عراق، نهاد رهبری، دولت، شورای عالی دفاع، قطعنامه ۵۹۸.

مقدمه

در میان نهادهای تأثیرگذار بر روند سیاست خارجی جمهوری اسلامی، مجلس شورای اسلامی بر اساس موادی از قانون اساسی، از برخی از اختیارات مرتبط با مسائل فرامرزی کشور برخوردار است. از طریق فعال ساختن این ظرفیت‌های قانونی، مجلس قادر به میزانی از اثرگذاری بر فرآیند سیاست خارجی کشور است. از این رو توجه به نقش مجلس در سیاست خارجی در دوران پس از انقلاب اسلامی حائز اهمیت است. یکی از مهم‌ترین رخدادهای سیاسی که پس از پیروزی انقلاب، کشور و به‌خصوص مجلس را درگیر جریانات خود نمود، تجاوز نظامی ارتش عراق به ایران در شهریور ۱۳۵۹ است. این جنگ که با پیشینه اختلافات ارضی و مرزی عراق با ایران و همچنین اهداف و انگیزه‌های سیاسی، ایدئولوژیک و نظامی صدام آغاز گردید، سرانجام به دلیل مشکلات اقتصادی و سیاسی ایران و همچنین افزایش قدرت نظامی عراق به واسطه دخالت امریکا در جنگ و حمایت سازمان‌های بین‌المللی از آن، با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی پایان یافت. با توجه به اهمیت قبول قطعنامه از سوی ایران، بررسی نقش گروه‌ها و نهادهای سیاسی مؤثر در این امر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این مقاله برآنیم با گذر از تمامی نهادهای مؤثر، مواضع مجلس در موضوع پایان جنگ را مورد بررسی قرار دهیم. از این رو مسأله آن است که مجلس شورای اسلامی چه نقش و تأثیری در نحوه تصمیم‌گیری ایران در پذیرش قطعنامه بر عهده داشته است؟ فرضیه این تحقیق بر این امر استوار است که اختیارات رهبری در مسأله پذیرش جنگ یا صلح، وظایف و اختیارات واگذار شده از سوی این نهاد به شورای عالی دفاع و دولت در خصوص مسائل جنگ و همچنین شرایط و مقتضیات خاص برهه زمانی، زمینه را برای کم رنگ شدن اثرگذاری مجلس و در نتیجه تصمیم‌پذیری آن فراهم نمود.

پیشینه تحقیق

درباره موضوع پایان جنگ و نقش نیروهای تأثیرگذار در پذیرش قطعنامه، کتاب‌ها و مقالات بسیاری به رشته تحریر درآمده و هریک کوشیده است با دیدگاه سیاسی و گاه نظامی، جنگ ایران و عراق را از زاویه دید دولتمردان، فرماندهان و گروه‌های مؤثر در این امر مورد بررسی قرار دهد. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: *الگوهای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران* اثر سیدرضا موسوی‌نیا، در حقیقت رساله کارشناسی ارشد نویسنده می‌باشد که با همین نام به چاپ رسیده است. هدف نویسنده پاسخگویی به این سؤال است که آیا رویه تصمیم‌سازی در دو دوره پهلوی دوم و دهه اول انقلاب اسلامی نهادینه بوده و یا آنکه فرد و یا افراد مشخصی در این تصمیم‌گیری نقش آفرینی می‌کردند. براین اساس، نویسنده می‌کوشد با ارائه یک چهارچوب نظری بومی و مشخص کردن چگونگی و چرایی اخذ تصمیمات، الگویی از تصمیم‌گیری سیاست خارجی در دو دوره ارائه دهد. این پژوهش به دلیل تمرکز نویسنده بر چگونگی اتخاذ تصمیمات سیاسی بالاخص در زمان جنگ، دارای اهمیت است. کتاب *نقد و بررسی جنگ ایران و عراق؛ علل تداوم جنگ* نوشته محمد درودیان، در چهار جلد به بررسی مسائل و موضوعات جنگ، پرسش‌های اساسی در باب ماهیت آن، علل تداوم جنگ و چگونگی پذیرش قطعنامه پرداخته و هدف از این تلاش را تبیین عقلانیت نهفته در درون جنگ، در حوزه نقد، تصمیم‌گیری و رفتارهای سیاسی نظامی در قبال آن می‌داند. ویژگی اصلی این کتاب از نگاه نویسنده در رویکرد جدید نسبت به جنگ، منابع گردآوری شده و مصاحبه‌های اختصاصی است. کتاب *تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق* از حسین علایی که در آن به مسائلی چون اوضاع ایران و عراق در آستانه جنگ، عوامل مؤثر در بروز آن، عملیات‌های مهم، قطعنامه‌های صادر شده از سوی سازمان ملل، دلایل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر تا چگونگی خاتمه جنگ پرداخته شده است. از دلایل اهمیت این کتاب، حضور علایی به عنوان فرمانده و اشراف وی به موضوعات مرتبط با جنگ است. خاطرات

هاشمی رفسنجانی با عنوان *پایان دفاع و آغاز بازسازی*، مجموعه خاطرات او در سال ۱۳۶۷ است که در آن نویسنده از زبان خود به اتفاقات این سال اشاره می‌کند. خاطرات مذکور هرچند در بعضی موارد بسیار کوتاه و مختصر به نگارش درآمده اما نکات جدید و قابل تأملی در درون آن نهفته است. این کتاب با توجه به حضور هاشمی به عنوان رئیس مجلس، نماینده امام در شورای عالی دفاع و همچنین جانشین فرمانده کل قوا، به منظور بررسی و تبیین مسأله جنگ، از اهمیت بسیاری برخوردار است.

نکته حائز اهمیت در این میان آن است که در اکثریت منابع و مأخذ تلاش شده است با رویکردی سیاسی و نظامی، موضوعات مربوط به جنگ از دریچه نگاه بازیگران اصلی مورد بررسی قرار دهد؛ حال آنکه تحقیق مستقلی در ارتباط با مواضع مجلس نسبت به مسأله جنگ، به نگارش در نیامده است. تلاش می‌شود در این مقاله، مواضع مجلس شورای اسلامی در خصوص پایان جنگ مورد بررسی قرار گیرد.

چهارچوب نظری

در هر کشوری فرآیند شکل‌گیری سیاست خارجی از ملاحظات متنوعی تأثیر می‌پذیرد. در گذشته روند تنظیم و اجرای جهت‌گیری فرامرزی کشورها در انحصار کامل دولت‌ها قرار داشت و سایر نیروها در آن جایگاه کمتری داشتند، اما در جهان امروز و با تحول در نظام‌های سیاسی، شاهد نقش‌آفرینی دیگر نهادها هستیم. این امر به اقتضای نوع نظام سیاسی هر کشور با یکدیگر تفاوت دارد. در نظام‌های متکثر شمار نیروهای تأثیرگذار بر این فرآیند بیشتر است، این در حالی است که در نظام‌های غیرمتکثر، تصمیم‌گیری در خصوص جهت‌گیری و عملکرد کشور در حوزه سیاست خارجی معمولاً در اختیار تعداد کمی از نیروهای سیاسی است.

در دوره معاصر، پیچیدگی‌های حوزه سیاست بین‌المللی و افزایش سطح وابستگی و تعامل در حوزه سیاست داخلی و خارجی، این مفروض را که تصمیمات سیاست خارجی برای کارآمدی بیشتر به تبعیت و تأثیرپذیری از صلاحیت و کارکرد منابع مختلف نیازمند

هستند را تقویت کرده است. یکی از نتایج این تحول، دموکراتیک شدن فرآیند تدوین سیاست خارجی است. در پدید آمدن این وضعیت نقش مجالس ملی کشورها، یک نقش مؤثر و غیرقابل انکار بوده است به گونه‌ای که در بسیاری از کشورهای جهان، پارلمان‌ها به یک نیروی تعیین کننده در ملاحظات سیاست خارجی تبدیل شده‌اند (سیف‌زاده، ۱۳۸۳: ۲).

به‌طور کلی، درخصوص تأثیر مجلس در تصمیم‌گیری سیاست خارجی مباحث مختلفی مطرح شده است. به عقیده برخی از اندیشمندان علوم سیاسی، حوزه سیاست خارجی باید از آرا و نظرات طیف محدودی از نیروهای داخلی یک کشور متأثر باشد. در مقابل گروهی دیگر از نظریه‌پردازان، سیاست خارجی نظام‌های دموکراتیک را که در آن نیروهای مختلفی همانند پارلمان نقش آفرینی کرده و بر روند تعیین تصمیمات تأثیرگذارند، کارا تر می‌دانند. مخالفان دخالت قوه مقننه در سیاست خارجی بر این باورند که سرعت عمل و اقدام یکی از ویژگی‌های اجتناب‌ناپذیر حوزه سیاست خارجی است و دخالت مجلس از این سرعت می‌کاهد. آنها همچنین حساس و محرمانه بودن بسیاری از موضوعات سیاست خارجی را دلیل دیگری در مخالفت با دخالت مجالس در این حوزه می‌دانند. همچنین معتقدند که لازمه تصمیمات سیاست خارجی، مؤثر و قاطعانه بودن آنهاست، لذا تکثر منابع تصمیم‌گیری، تا حد زیادی از تأثیرگذاری آن جلوگیری می‌کند. اما حامیان دخالت مجلس بر این باورند که تأثیرگذاری مجلس در سیاست خارجی، نقش مؤثری در دموکراتیک شدن روابط میان دولت‌ها و در نتیجه مسالمت‌آمیز شدن ارتباطات دارد.

در نظام مدرن، در زمینه سیاست خارجی برای قوه مقننه دو دیدگاه متمایز وجود دارد. از منظر نهادگرایان با محوریت توماس هابز (عینی‌گراها) اراده و منافع دولت بر اراده و منافع افراد مؤسس بر دولت تقدم دارد. هابز شخص حاکم را مسئول حفاظت از کل مجموعه ملت می‌داند. در مقابل این برداشت، نگرش ذهنی‌گرایان است که عقل حکومتی را تابع اراده و رضایت مردمی می‌داند. مأخذ این نگرش دیدگاه متفاوت جان لاک است. از نظر او، دولت نهادی عقلانی است که باید به رضایت مردمی و اراده انسانی ارزش بگذارد؛ این امر منفعتی را به نفع قوه مقننه ایجاد می‌کند. ذهنی‌گرایان معتقدند اگر هدف از

سیاست خارجی اجرای برنامه اکثریت و رعایت حقوق اقلیت باشد، قوه مقننه بیشتر می تواند تجلی منافع کل ملت باشد (سیف‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۴۸).

جدای از مباحث نظری پیرامون میزان تأثیرگذاری قوه مقننه بر سیاست خارجی، از لحاظ حقوقی، میزان نفوذ قوه مقننه در سیاست خارجی به ماهیت رژیم‌های سیاسی کشور بستگی دارد. همچنین باید به این مطلب توجه نمود که در قانون اساسی هر کشور، جایگاه و نقش مجلس در تصمیم‌گیری سیاسی و سیاست خارجی تعیین گردیده است.

در جمهوری اسلامی، مجلس شورای اسلامی به واسطه اصول قانون اساسی، در سیاست خارجی کشور دارای برخی اختیارات است. اما در این میان، برخی از عوامل موجب کم‌رنگ شدن نقش مجلس در سیاست خارجی می‌گردد و صلاحیت این نهاد را با محدودیت‌های تخصصی و تحقیقی مواجه می‌نماید؛ از آن جمله می‌توان به اختیارات نهادهایی چون رهبری، دولت و... اشاره کرد. بنابراین با توجه به توضیحات فوق، بررسی نقش مجلس در سیاست خارجی کشور با توجه به موانع موجود از اهمیت بسیاری برخوردار است.

تعریف مفاهیم

پارلمان: پارلمان یا مجلس، به مثابه عالی‌ترین مظهر اراده مردم و حاکمیت ملی، نیرویی است که به وضع قوانین و مقررات می‌پردازد. مجلس در کشورهای دموکراتیک که اصل تفکیک قوا در آنها تحقق یافته است به منظور وضع قوانین و نظارت بر کابینه تشکیل می‌شود. در برخی از کشورها هم انتخابات پارلمانی و هم پارلمان‌های منتخب دارای اختیارات زیادی نیستند و نمایندگان این مجالس که با مداخله و اعمال نفوذ دولت به پارلمان راه می‌یابند، وظیفه‌ای جز تأیید تصمیمات قدرت حاکم برای خود نمی‌شناسند.

جنگ: تعاریف بسیاری در خصوص جنگ مطرح شده است. کارل فون کلاوزویتس جنگ را امر خطیر برای هدفی خطیر توصیف می‌کند. از دیدگاه وی: «جنگ، عمل خشونت باری است که هدفش وادار کردن حریف به اجرای خواسته ماست. جنگ ادامه و

ابزاری برای سیاست است، بنابراین جنگ نه تنها خصیصه نظامی، بلکه دیپلماتیک، روان شناسی و اقتصادی را نیز دارد» (کلاوزویتس، ۱۳۹۳: ۴۴). از دیدگاه کوئینی: «جنگ هنر سازمان دادن و به کار گرفتن نیروهای مسلح برای انجام مقصود است» (شیرودی، ۱۳۸۴: ۴).

قطعنامه: مکتوبی است که در آن خواسته‌های اجتماع کنندگان نوشته شده است. قطعنامه‌های شورای امنیت، حاصل تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل متحد، بعد از تبادل نظر درخصوص موضوعات مورد بحث، است. برای پذیرش یک قطعنامه باید دست کم ۹ عضو از ۱۵ عضو شورای امنیت به آن رأی مثبت دهند و هیچ‌یک از اعضای دائم به آن رأی مخالف ندهند.

آتش‌بس: به قطع عملیات جنگی در یک منطقه معین برای زمان محدود به منظور تخلیه مجروحان و تدفین کشته‌شدگان یا در مواردی تسلیم نیروهای شکست خورده در جنگ (که با توافق فرماندهان نظامی در منطقه یا صحنه‌ای از نبرد عملی می‌شود) مربوط می‌شده است و درواقع منظور این اصطلاح، ترک مخاصمه همه جانبه جهت نیل به صلح است (کاظمی، ۱۳۶۸: ۱۳۳).

صلح: عبارت است از پیمان عدم تعرض، پیمان به نجات‌بخشیدن و پیمان همزیستی مسالمت‌آمیز. از منظر روابط بین‌الملل مقصود از صلح، احتراز از اختلاف و برخورد شدید با سایر کشورهاست. به عبارت دیگر، صلح ثبات نسبی نظامی و فقدان اختلاف و بی‌نظمی در سیستم امنیت بین‌الملل است.

علل گرایش مجلس به تداوم جنگ ایران و عراق در دوره اول و دوم

با گذشت چند ماه از برپایی مجلس شورای اسلامی، حمله عراق به ایران آغاز گردید که ناخواسته تمامی مسائل کشور را تحت شعاع قرارداد و تا سال ۱۳۶۷ ادامه یافت. در آغازین سال‌های شکل‌گیری جنگ، وجود مسائل و مشکلات داخلی و همراهی بین‌المللی با رژیم عراق، موجب شد که ایران ضربات سختی را از نیروهای بعثی متحمل گردد، چنانکه این امر منجر به اشغال برخی از شهرهای ایران از جمله آبادان و خرمشهر گردید و علی‌رغم

اجرای چند عملیات نظامی توسط نیروهای ارتش، شکست از آن نیروهای ایران شد (بسطامی، ۱۳۹۲: ۹۴). علاوه بر این، درگیری‌های سیاسی و ایدئولوژیکی مابین گروه‌های سیاسی در زمان جنگ، مانع از ایجاد یک سیاست اصولی در مدیریت جنگ گردید. با تغییر شرایط و کاسته شدن از اختلافات موجود و به کارگیری سیستم کاراتر در عملیات‌های جنگی، پیروزی از آن نیروهای ایران شد که از تبعات آن باز پس‌گیری برخی از شهرهای اشغال شده و عقب‌نشینی نیروهای عراق بود. پس از آزادسازی خرمشهر، نمایندگان مجلس نیز به مانند دیگر گروه‌های سیاسی چون فرماندهان سپاه و برخی از اعضای شورای عالی دفاع، با صلح و پایان جنگ مخالفت نموده و خواهان ادامه آن تا پیروزی بر رژیم صدام و ورود به خاک عراق بودند. از جمله دلایل این موضوع در میان نمایندگان مجلس می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) ایدئولوژی انقلابی و اثرگذاری آن بر نظریه تداوم جنگ در میان نمایندگان

با شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ایدئولوژی اسلامی - انقلابی در کشور حاکم گردید که شالوده سیاست خارجی ایران را با دگرگونی مواجه نمود. از جمله مهم‌ترین جنبه‌های این ایدئولوژی که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی به عنوان عناصر محوری مطرح گردیده می‌توان به مواردی چون: ۱. تأکید بر حفظ استقلال کشور و عدم وابستگی به قدرت‌های جهانی؛ ۲. حمایت از ملت‌های مستضعف؛ ۳. تز صدور انقلاب؛ ۴. حمایت از جنبش‌های آزادیبخش؛ ۵. واسازی نظم و وضع موجود جهانی و ایجاد نظم جهانی اسلامی؛ ۶. تعهد انقلابی و پیگیری سیاست مستقل نه شرقی و نه غربی؛ ۷. نفی مرزهای جغرافیایی موجود و ترمیم مرزهای ایدئولوژیک و در نتیجه جایگزینی واحد امت به جای دولت - ملت؛ ۸. درک متفاوت از منافع ملی و ارجحیت منافع و مصالح اسلامی بر منافع ملی اشاره کرد (رضایی، ۱۳۸۸: ۳۷۲). پذیرش و پیگیری این اصول در دوران آغازین انقلاب اسلامی، آرمان‌گرایی انقلابی در عرصه سیاست خارجی را به دنبال داشت که این امر با حمله نظامی عراق به ایران و بالاگرفتن شور انقلابی، زمینه بروز و ظهور بیشتری یافت. از مهم‌ترین ویژگی‌های مرتبط با این آرمان‌گرایی در مواجهه با جنگ ایران و عراق، تقسیم جهان بر

حسب مرزهای عقیدتی به دارالاسلام و دارالکفر، حمایت از ملت محروم عراق در برابر رژیم بعث و موضوع گسترش انقلاب اسلامی و صدور آن به دیگر کشورها علی‌الخصوص عراق از طریق شکست رژیم صدام در جنگ و ایجاد حکومت اسلامی در این کشور است. گسترش جنگ در کنار شرایط موجود در کشور، زمینه لازم را برای تسلط مواضع و ایدئولوژی آرمان‌گرایان انقلابی فراهم کرد. زیرا جنگ عاملی شد که به تشدید آرمان‌خواهی انقلابیون کمک کرد و موقعیت سیاسی را رادیکال نمود (روزان، ۱۳۷۹: ۴۸).

در این میان، مجلس شورای اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نماند و فضای حاکم بر این دوران به همراه آرمان‌گرایی غالب، مجلس ایران را تحت تأثیر خود قرار داد. در این برهه، تأکید بر شعارها و ایدئولوژی انقلابیون بر نظرات نمایندگان مجلس حاکم بود و فضای استعاری را در ارتباط با مسأله جنگ در مجلس به وجود آورده بود. از این رو اجرا و تحقق این اصول در تمامی دوران جنگ در مجلس نمود عینی داشت (جلسه ۳۹ سه‌شنبه ۴ شهریور ۱۳۵۹ الی جلسه ۷۰ چهارشنبه ۲۱ آبان ۱۳۵۹)؛ (جلسه ۱۰۲ دوشنبه ششم بهمن ۱۳۵۹ الی جلسه ۱۹۴ دوشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۶۰)؛ (جلسه ۲۲۵ پنجشنبه ۲۳ مهر ۱۳۶۰ الی جلسه ۲۷۸ سه‌شنبه ۴ اسفند ۱۳۶۰)؛ (جلسه ۳۰۹ پنجشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۱ الی جلسه ۳۹۲ یکشنبه ۲۸ آذر ۱۳۶۱)؛ (جلسه ۴۴۷ یکشنبه ۱۴ فروردین ۱۳۶۲ الی جلسه ۴۹۵ سه‌شنبه ۴ مرداد ۱۳۶۲)؛ (جلسه ۵۰۲ پنجشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۶۲ الی جلسه ۵۲۱ سه‌شنبه ۳ آبان ۱۳۶۲)؛ (جلسه ۶۰۹ یکشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۶۳ الی جلسه ۶۱۰ دوشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۶۳)؛ (دوره دوم جلسه ۱۴ سه‌شنبه ۲۶ تیر ۱۳۶۳ الی جلسه ۳۰ پنجشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۶۳)؛ (جلسه ۳۲۰ پنجشنبه ۱۰ مهر ۱۳۶۵ الی جلسه ۴۶۸ پنجشنبه ۲۱ آبان ۱۳۶۶).

بنابراین برتری ایدئولوژی انقلابی در میان نمایندگان، منجر به تعریف مجدد معنای جنگ و جایگاه آن بر اساس دیدی فراتر از دفاع از مرزهای کشور و دفع متجاوز و در راستای گسترش اندیشه‌های انقلاب و مقابله با رژیم عراق در جهت حمایت از مردم این کشور گردید. بنابر دیدگاه نمایندگان در این دوران، سیاست خارجی ایران می‌بایست در دو عرصه به پیگیری اهداف خود مبادرت می‌ورزید. عرصه اول اهداف فراملی و عرصه

دوم اهداف ملی. تعهدات اسلامی و رسالت انقلابی، تعقیب اهداف فراملی و انقلابی را ایجاد می‌کرد، درحالی‌که الزامات جنگ، اهداف ملی را اهمیت و اولویت می‌بخشید (فوزی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۴۵).

با توجه به این دیدگاه، از جمله اهداف فراملی نمایندگان مجلس در ارتباط با جنگ، در قالب اقداماتی چون: آشنا نمودن کشورها با اهداف و آرمان‌های انقلاب از طریق ارسال افراد آگاه و خنثی‌سازی تبلیغات رژیم عراق علیه ایران (جلسه ۶ یکشنبه ۴ آبان ۱۳۵۹ الی جلسه ۶۴ دوشنبه ۱۲ آبان ۱۳۵۹)؛ (جلسه ۱۲۲ سه‌شنبه ۱۹ اسفند ۱۳۵۹ الی جلسه ۱۶۷ شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۶۰)؛ (جلسه ۲۲۵ پنجشنبه ۲۳ مهر ۱۳۶۰ الی جلسه ۲۴۱ پنجشنبه ۵ آذر ۱۳۶۰)؛ (جلسه ۳۳۶ یکشنبه ۲۷ تیر ۱۳۶۱ الی جلسه ۶۰۹ یکشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۶۳)؛ توجه به گسترش پیام انقلاب و ارائه دیدگاه‌های جمهوری اسلامی، حفظ موجودیت اسلام و تشیع از طریق ادامه جنگ و جهاد با عراق به عنوان نماد کفر (جلسه ۵۱ سه‌شنبه ۱ مهر ۱۳۵۹ الی جلسه ۷۰ چهارشنبه ۲۱ آبان ۱۳۵۹)؛ (جلسه ۲۲۵ پنجشنبه ۲۳ مهر ۱۳۶۰ الی جلسه ۳۲۶ سه‌شنبه اول تیر ۱۳۶۱)؛ (جلسه ۳۳۸ سه‌شنبه ۲۹ تیر ۱۳۶۱ الی جلسه ۴۸۶ سه‌شنبه ۱۴ تیر ۱۳۶۲)؛ (دوره دوم جلسه ۱۴ سه‌شنبه ۲۶ تیر ۱۳۶۳)؛ (جلسه ۲۳ یکشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۶۳)؛ (جلسه ۴۶۸ پنجشنبه ۲۱ آبان ۱۳۶۶) و پیروزی در جنگ و ارائه یک الگوی ایرانی-اسلامی در این کشور، دسته‌بندی می‌گردید (جلسه ۵۰ پنجشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۵۹ الی جلسه ۲۴۵ پنجشنبه ۱۲ آذر ۱۳۶۰)؛ (جلسه ۳۲۰ سه‌شنبه ۱۸ خرداد ۱۳۶۱ الی جلسه ۳۹۲ یکشنبه ۲۸ آذر ۱۳۶۱)؛ (جلسه ۴۳۲ یکشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۶۱ الی ۴۹۵ سه‌شنبه ۴ مرداد ۱۳۶۲)؛ (جلسه ۵۰۷ سه‌شنبه اول شهریور ۱۳۶۲ الی جلسه ۶۱۰ دوشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۶۳).

باید بر این موضوع تأکید کرد که جنگ تحمیلی نقطه اوج خصومت‌های هویتی «دیگران» علیه وضعیت موجود در کشور و اسلام انقلابی محسوب می‌شد. بدین جهت، دگر ما صرفاً عراق نبود بلکه به گفته امام، تمامیت کفر در برابر تمامیت اسلام قرار داشت (تاجیک، ۱۳۷۷: ۱۲۱؛ نیردملت ۱۳/۴/۱۳۶۰). بدین سبب هدف از ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر، علاوه بر تأمین امنیت ملی، حفظ موجودیت اسلام و تشیع نیز بود. چون شکست

جمهوری اسلامی در جنگ به مثابه شکست اسلام انقلابی به شمار می‌رفت. بر این اساس، نمایندگان مجلس بر این سخن امام تأکید می‌کردند که:

انگیزه او و دوستانش سرکوبی اسلام به نفع ابرقدرتها و انگیزه ملت و قوای مسلح اسلامی ایران دفاع از اسلام و قرآن کریم به نفع ملت‌های اسلامی و مستضعفان جهان است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵: ۲۳۹).

بر طبق این دیدگاه در طول دوران جنگ، به صراحت و بارها، نمایندگان مجلس، جنگ عراق علیه ایران را نماد بارز جنگ کفر علیه اسلام (جلسه ۵۳ یکشنبه ۶ مهر ۱۳۵۹ جلسه ۲۲۵ پنجشنبه ۲۳ مهر ۱۳۶۰)؛ (جلسه ۳۲۶ سه‌شنبه اول تیر ۱۳۶۱ جلسه ۳۳۸ سه‌شنبه ۲۹ تیر ۱۳۶۱)؛ (دوره دوم جلسه ۱۴ سه‌شنبه ۲۶ تیر ۱۳۶۳؛ میزان، ۱۳۵۹/۷/۷، ش ۱۷؛ جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۱۲/۱۱، شماره ۵۰۶)؛ جنگ حق علیه باطل (جلسه ۵۱ سه‌شنبه ۱ مهر ۱۳۵۹)؛ (جلسه ۶۴ دوشنبه ۱۲ آبان ۱۳۵۹)؛ (جلسه ۴۵۶ یکشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۶۲)؛ (جلسه ۴۸۶ سه‌شنبه ۱۴ تیر ۱۳۶۲) و جنگ مابین جنودالله و جنود شیطان دانسته (جلسه ۵۳ یکشنبه ۶ مهر ۱۳۵۹) و (جلسه ۴۵۹ یکشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۲) و انقلاب ایران را تداوم انقلاب پیامبر (ص) و امام حسین (ع) قلمداد می‌کردند (جلسه ۵۱ سه‌شنبه ۱ مهر ۱۳۵۹). به کرات نمایندگان مجلس با مقایسه قیام عاشورا و جنگ ایران و عراق، استفاده از تمثیل، نمادهای شیعه و قرار دادن نیروهای انقلابی و رزمندگان در قالب اسطوره‌های شیعه و قیاس نمودن نیروهای بعثی با دشمنان امام حسین (ع)، شکست ایران در برابر عراق را شکست اسلام در برابر همه کفر می‌دانستند که منجر به نابودی اسلام می‌شد (جلسه ۵۲ پنجشنبه ۳ مهر ۱۳۵۹)؛ (جلسه ۶۲ یکشنبه ۴ آبان ۱۳۵۹)؛ (جلسه ۷۰ چهارشنبه ۲۱ آبان ۱۳۵۹)؛ (جلسه ۲۳۴ سه‌شنبه ۱۹ آبان ۱۳۶۰)؛ (دوره دوم، جلسه ۲۳ یکشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۶۳) و (جلسه ۴۶۸ پنجشنبه ۲۱ آبان ۱۳۶۶). از این رو نمایندگان مجلس، حیات انقلاب، اسلام و مسلمانان جهان را در گرو ادامه جنگ و پیروزی ایران بر صدام می‌دانستند (جلسه ۱۲۳ چهارشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۵۹)؛ (جلسه ۲۰۲ پنجشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۶۰)؛ (جلسه ۲۳۹ یکشنبه ۱ آذر ۱۳۶۰)؛ (جلسه ۳۹۸ سه‌شنبه ۷ دی ۱۳۶۱)؛ (جلسه ۴۲۷ پنجشنبه ۵ اسفند ۱۳۶۱)؛ (جلسه ۴۸۶ سه‌شنبه ۱۴ تیر ۱۳۶۲)؛ (جلسه ۶۰۹ یکشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۶۳)؛ (دوره دوم، جلسه ۲۳ یکشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۶۳) و (جلسه ۳۶۴ یکشنبه ۲۸ دی ۱۳۶۵).

در کنار اهداف فراملی، توجه به اهداف ملی نیز مورد حمایت نمایندگان مجلس قرار داشت؛ زیرا که در این زمان، هویت ملی با حفظ اسلام و مذهب تشیع پیوند جدایی ناپذیری برقرار کرد. حمله عراق به ایران و نقض حاکمیت سرزمینی، از دست دادن برخی از مناطق و ادعاهای رژیم عراق مبنی بر تصرف خوزستان و همچنین قرار گرفتن هویت عربی در برابر هویت ایرانی، زمینه برای اوج گیری هویت ملی و ملی گرایی و همچنین حفظ موجودیت ایرانی در برابر تهدیدات عراق با توجه به ذهنیت تاریخی ایرانیان را فراهم کرد. توجه به حفظ عناصر ملی مانند خاک، میهن، ناموس، امنیت و تهدید دشمن خارجی در پیوند با عناصر ایدئولوژیک شامل حفظ موجودیت اسلام و انقلاب، منجر به وحدت و انسجام و در نتیجه دفاع از کشور و حفظ ام القرای اسلام گردید. از این رو دفاع از خاک و منافع ملی به عنوان پیش زمینه حفظ منافع اسلامی دارای قداست شرعی گردیده و به جد مورد تأکید قرار می گیرد و نه تنها اشغال یک وجب از خاک کشور توسط دشمن غیرقابل تصور می شود بلکه جهاد در راه میهن، وظیفه شرعی هر مسلمان به حساب می آید. بنابراین در راستای این امر، دفاع از «خاک» و «وحدت سرزمین» با در نظر گرفتن حفظ اسلام نه تنها از سوی رهبران نظام بلکه از سوی نمایندگان مجلس نیز مورد توجه جدی قرار گرفت. بدین سبب پیگیری اهداف ملی در سال های آغازین جنگ، اعتراض نمایندگان مجلس دوره اول را نسبت به مسائلی چون نبود سیاست مشخص برای آزادسازی مناطق اشغالی، کمبود نیرو و تجهیزات، نبود فرماندهی و عدم آمادگی، عدم وحدت و هماهنگی نیروهای نظامی ارتش، سپاه و نیروهای مردمی برای جلوگیری از پیشروی دشمن به خاک کشور و در نتیجه شکست های متوالی و همچنین نبود برنامه ریزی صحیح و همه جانبه از سوی شورای عالی دفاع در پی داشت (جلسه ۱۶ ۱۳ تیر ۱۳۵۹)؛ (جلسه ۶۲ یکشنبه ۴ آبان ۱۳۵۹)؛ (جلسه ۶۴ دوشنبه ۱۲ آبان ۱۳۵۹)؛ (جلسه ۱۰۲ دوشنبه ششم بهمن ۱۳۵۹)؛ (جلسه ۲۲۸ یکشنبه ۳ آبان ۱۳۶۰)؛ (جلسه ۱۶۷ شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۶۰)؛ (جلسه ۲۱۹ دوشنبه ۶ مهر ۱۳۶۰) و (جلسه ۶۱۲ دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۳). توجه به اهداف ملی و فراملی پس از فتح خرمشهر با ترکیبی از احساس برتری نسبت به دشمن و امکان دستیابی سریع به پیروزی به همراه

بی‌اعتمادی نسبت به سیاست‌های عراق و همچنین سازمان‌های بین‌المللی در ایجاد صلح و آتش‌بس به شکل بارزی ادامه یافت^۱ و زمینه لازم برای دفاع نمایندگان از تداوم جنگ را فراهم نمود.

ب) عدم ارائه پیشنهاد صلح مناسب و پذیرفته نشدن شروط ایران

نبود پیشنهاد صلح مناسب از سوی عراق و سازمان‌های بین‌المللی موجب گردید که نمایندگان مجلس نیز به مانند دیگر گروه‌های سیاسی در کشور، با هرگونه مذاکره صلح به منظور پایان دادن به جنگ مخالفت نمایند. بسیاری از نمایندگان خاتمه جنگ را منوط به خروج عراق از سرزمین‌های اشغالی و عذرخواهی این کشور به جهت آغاز جنگ و همچنین پذیرش پرداخت غرامت می‌دانستند و معتقد بودند مجلس شورای اسلامی نباید به هیچ مقامی در کشور اجازه قبول آتش‌بس را بدهد؛ ضمن آنکه برخی از نمایندگان نیز علاوه بر مخالفت با صلح و حضور هیئت‌های میانجی در ایران، معتقد بودند که هیچ راهی جز پیروزی در جنگ و هیچ مذاکره‌ای تا سقوط رژیم صدام قابل پذیرش نیست. در این میان، مطرح شدن پیشنهادات شورای عالی دفاع به منظور قبول صلح، چون عقب‌نشینی کامل دشمن، پرداخت خسارت جنگی، بازگشت مهاجرین عراقی به وطن خویش، مجازات متجاوز و قراردادن بند جدید در پیشنهادات مبنی بر ایجاد راهی از خاک عراق برای اعزام نیروهای ایران به قدس، موجب گردید که برخی از نمایندگان تنها راه قبول مذاکرات صلح را پذیرش نظرات شورای عالی دفاع دانسته (جلسه ۱۳۴ یکشنبه ۳۰ فروردین ۱۳۶۰)؛ (جلسه ۱۳۵ سه‌شنبه اول اردیبهشت ۱۳۶۰)؛ (جلسه ۱۹۴ دوشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۶۰)؛ (جلسه ۳۲۱ یکشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۶۱)؛ (جلسه ۳۴۴ پنجشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۶۱) و (جلسه ۳۷۹ دوشنبه اول آذر

۱. هاشمی رفسنجانی در خصوص فضای جدید به وجود آمده پس از کسب پیروزی‌های ایران در جنگ و تمایل به عملیات نظامی در میان نمایندگان می‌گوید: «بیشتر نمایندگان در ملاقات‌ها نسبت به احتمال پذیرش آتش‌بس و عدم مجازات صدام و ادامه فشار صدام بر نیروهای اسلامی انقلابی عراق اظهار نگرانی می‌کردند» (ر.ک: درودیان، ۱۳۸۳، ج ۳: ۱۰۰).

(۱۳۶۱) و معتقد بودند چنانچه موارد مذکور مورد توجه قرار نگیرد، ایران تا پیروزی بر عراق و ایجاد حکومت اسلامی در این کشور، جنگ را ادامه خواهد داد.

ج) ادامه جنگ راهی برای مقابله با حامیان پذیرش صلح و پایان جنگ

با پیروزی‌های ایران پس از فتح خرمشهر، برخی از گروه‌های سیاسی چون نهضت آزادی، با ادامه جنگ مخالفت نموده و خواستار پذیرش صلح بودند.^۱ نهضت آزادی در آبان ۱۳۶۰، ضمن محکومیت حمله عراق به ایران، جنگ را بخشی از توطئه‌های ابرقدرت‌ها به‌خصوص امریکا و صهیونیسم علیه جمهوری اسلامی معرفی کرد و دفاع کامل از استقلال و تمامیت ارضی کشور و تجهیز و تمرکز نیروهای ملی برای پیروزی در جنگ را واجب دانست. این نهضت همچنین در همین سال در نامه‌ای سرگشاده به هاشمی رفسنجانی، ایستادگی، ایثار و دفاع پیروزمندانه را مقصد و مسیر جنگ تحمیلی دانست (ارجینی و مولودی وردجانی ۱۳۹۶: ۹۹-۱۰۰). به‌طور کلی نهضت آزادی تا فتح خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱، حمایت اجمالی خود را از جنگ ادامه داد اما از این پس به مخالفت با آن پرداخت. در تحلیل نهضت آزادی، ادامه جنگ از سوی ایران پس از آزادی خرمشهر، اشتباهی بزرگ در حیطه جنگ و تجاوز به شمار می‌آید. این گروه در نشست‌هایی با برخی از مسئولان کشور معتقد بودند وارد شدن به خاک عراق و قرارگیری ایران در موضع

۱. در دوره اول مجلس شورای اسلامی، علی‌رغم راهیابی گروه‌هایی چون گروه ملی-مذهبی چون نهضت آزادی، دفتر همکاری‌های مردم با نخست‌وزیر و گروه چپ به مجلس، اکثریت کرسی‌های مجلس در اختیار گروه‌های آرمان‌گرا و طرفدار حزب جمهوری اسلامی قرار داشت. از این رو درگیری‌های سیاسی و بحث‌های بسیار مابین این گروه‌ها، منجر به ایجاد فضای متشنج در مجلس گردید. با تشکیل مجلس دوم و حذف گروه‌های چون نهضت آزادی و طرفداران جناح چپ، حزب جمهوری اسلامی و جامعه روحانیت مبارز، یکه‌تاز میدان مجلس گردیدند.

تهاجمی، پیامدهای خوبی برای ایران به همراه نخواهد داشت.^۱ هاشم صباغیان نماینده دوره اول و از اعضای نهضت آزادی در این باره می‌گوید:

نهضت آزادی پس از بازپس‌گیری خرمشهر بیانیه داد که با توجه به شرایط موجود باید جنگ را خاتمه دهیم. اما جنگ ادامه پیدا کرد و ما متحمل خسارات بیشماری شدیم. ما وقتی در مجلس در خصوص مشکلات ایران در جنگ به ویژه نبود امکانات پس از بمباران شهرها توسط عراقی‌ها صحبت می‌کردیم، با اعتراض دیگر نمایندگان مواجه می‌شدیم (صباغیان، مصاحبه، ۱۳۹۸/۶/۱۴).

مقابله و ضدیت نظرات اکثریت نمایندگان با نیروهای لیبرال در مجلس و مخالفین ادامه جنگ در داخل کشور، موجب شد که نمایندگان در اقدامی هماهنگ، با پیروی از دیدگاه‌های شورای عالی دفاع، خواهان ادامه جنگ باشند.

(د) پیروی از دیدگاه امام و شورای عالی دفاع

پس از آزادی خرمشهر، اختلافاتی بر سر توقف و ادامه جنگ به وجود آمد. گروهی مانند هاشمی رفسنجانی و برخی از فرماندهان جنگ معتقد بودند انجام یک عملیات موفق در داخل خاک عراق و تصرف مناطقی از دشمن، در زمان آتش‌بس منجر به احقاق حق ایران

۱. ابراهیم یزدی در خصوص مواضع نهضت آزادی در ادامه جنگ می‌گوید: «...ما جنگ را تا فتح خرمشهر واجب می‌دانستیم، بعد از فتح خرمشهر با ادامه جنگ مخالف بودیم و آن را مخالف مصالح ملی مان می‌دانستیم...». او معتقد است امام خمینی معتقد به پایان دادن به جنگ بود و در دیدار با مسئولان جنگ به این مطلب اشاره نموده که شما توانایی ادامه جنگ را ندارید اما آنها اصرار کردند و امام با توجه به شرایط و دلایل آنان موافقت نمودند. یزدی همچنین ادامه جنگ را منجر به عقب‌ماندگی، خسارت و ضرر اقتصادی، گسترش دامنه آن، خصومت در منطقه، تقلیل امنیت، افزایش تلفات و کاهش توان و مشکلات سیاسی و اجتماعی دانست (ر.ک: یزدی، ۱۳۷۷: ۱۸).

می‌گردد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۲: ۵۰۲).^۱ برخی دیگر مانند نهضت آزادی خواستار پایان یافتن جنگ به منظور جلوگیری از خسارت‌های بیشتر کشور و همچنین مشکلات منطقه‌ای ناشی از جنگ بودند. در این میان، اگرچه در ابتدا امام با ورود به خاک عراق مخالفت نموده و خواهان عدم ادامه جنگ در مرزهای عراق بودند اما پس از برگزاری دو جلسه شورای عالی دفاع و با بررسی استدلال‌های مطرح شده از سوی هاشمی رفسنجانی و فرماندهان، ادامه جنگ در خاک عراق و در مناطقی که مردم ساکن نبودند، مورد قبول امام واقع شد (علایی، ۱۳۹۵، ج ۱: ۵۲۲). بنابراین پیروزی‌های ایران در جنگ و عقب‌نشینی عراق از مناطق اشغالی، موجب شد که سران سیاسی و نظامی ایران با دیدگاهی رو به جلو به دلایلی چون پایان دادن به جنگ از موضع برتر با در اختیار داشتن منطقه‌ای استراتژیک از دشمن، تغییر ماهیت جنگ و ارائه نشدن پیشنهاد مناسب به ایران برای اتمام آن (درودیان، ۱۳۸۳، ج ۳: ۲۵-۲۶)، عدم پذیرش معاهده ۱۹۷۵ از سوی عراق و ادامه حضور ارتش این کشور در بخشی از سرزمین ایران، تصور ایران از افزایش قدرت نظامی خود و شرایط نامساعد دفاعی در مرزهای جنوبی کشور (علایی، ۱۳۹۵، ج ۱: ۵۲۷-۵۲۹) زمینه ادامه جنگ را فراهم نمایند.

اما در این میان، این نکته حائز اهمیت است که در این برهه زمانی همچنان تعهد به رسالت انقلابی و صدور انقلاب بر تفکرات و رفتارها سایه افکنده بود و همین امر باعث شد که میان صدور انقلاب و تأمین امنیت نظام اسلامی پیوستگی ایجاد گردیده و چنین

۱. همچنین هاشمی رفسنجانی طی سخنانی در نماز جمعه تهران به‌عنوان یکی از تصمیم‌گیرندگان مسائل جنگ، سه دلیل را درباره علت ورود به خاک عراق مورد اشاره قرار داد: نخستین راه، پایان دادن به جنگ از طریق تشدید جنگ بود. ایشان معتقد بود ما دو راه بیشتر نداریم. یکی اینکه ذلیلانه صلح را بپذیریم و جنگ را خاتمه دهیم که بعید نبود عراق دوباره به ایران تجاوز نموده و شهرهای آبادان و خرمشهر را تصرف نماید. راه دیگر آن بود که با تشدید جنگ، جنگ را تمام کنیم و دومین دلیل تلاش برای گرفتن غرامت خسارات از دشمن بود. دلیل سوم آزاد کردن مردم عراق از بند چنین رژیم ظالمی بود (ر.ک: درودیان، ۱۳۹۵: ۳۲۹-۳۳۰).

تصور شود که اگر انقلاب در موضع دفاعی قرار گیرد و در مرزهای ایران محصور شود، ادامه بقا و امنیت نظام انقلابی ممکن نخواهد بود. براین اساس، این جنگ براندازی نظام انقلابی و جلوگیری از صدور انقلاب معنا شد و اجماع بین‌المللی در حمایت از عراق و نادیده گرفتن تجاوز به ایران، این معنا را بیش از گذشته آشکار کرد که بقای نظام در چهارچوب معاملات ملی و نه بین‌المللی ممکن است و این امر منجر به ظهور خودباوری و اعتماد به نفس و در نتیجه مقابله با تهاجم دشمن و پشت سر نهادن بی‌ثباتی سیاسی و بیرون راندن اشغال‌گران از مناطق اشغالی و ادامه جنگ شد (درودیان، ۱۳۸۳، ج ۳: ۱۲۹).

با توجه به این سیاست، بسیاری از نمایندگان مجلس نیز با بهره‌گیری از نگاه انقلابی به مسأله جنگ، خواهان ادامه آن تا پیروزی نهایی و سقوط رژیم صدام بوده و با تأسی از سخنان امام خمینی در خصوص ادامه جنگ تا پیروزی بر صدام و رژیم بعث (موسوی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۵۱؛ زیباکلام و اتفاق‌فر، ۱۳۸۷: ۲۸۵) و نظرات شورای عالی دفاع و بهره‌گیری از شعارهایی مانند: «پایان حکومت صدام نزدیک است، صدام روزهای آخرش را می‌گذراند، پیروزی نزدیک است، جنگ با پیروزی ایران به پایان خواهد رسید، پیروزی ایران در جنگ حتمی است، جنگ با هیچ مسأله دیگری جز سقوط صدام خاتمه نمی‌یابد»، ضمن ایجاد روحیه مقاومت، مردم را به پایداری در جبهه‌ها و جهاد فرامی‌خواندند (جلسه ۳۱۳ یکشنبه ۲ خرداد ۱۳۶۱ الی جلسه ۳۹۸ سه‌شنبه ۷ دی ۱۳۶۱)؛ (جلسه ۴۲۷ پنجشنبه ۵ اسفند ۱۳۶۱ الی جلسه ۴۸۶ سه‌شنبه ۱۴ تیر ۱۳۶۲)؛ (جلسه ۵۰۸ پنجشنبه ۳ شهریور ۱۳۶۲ الی جلسه ۵۸۰ یکشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۶۲)؛ (دوره دوم، جلسه ۴ سه‌شنبه ۲۲ خرداد ۱۳۶۳ الی جلسه ۳۹ پنجشنبه ۱۹ مهر ۱۳۶۳)؛ (جلسه ۸۳ یکشنبه ۷ بهمن ۱۳۶۳)؛ (جلسه ۱۲۵ یکشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۴ الی جلسه ۱۹۷ یکشنبه ۳ آذر ۱۳۶۴)؛ (جلسه ۲۷۳ یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۵ الی جلسه ۲۸۳ پنجشنبه ۲۲ خرداد ۱۳۶۵)؛ (جلسه ۳۴۵ پنجشنبه ۱۳ آذر ۱۳۶۵ الی جلسه ۵۳۳ یکشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۷)؛ (اطلاعات، ش ۱۶۹۶۸، ۲۴ / ۱۲ / ۱۳۶۱؛ انقلاب اسلامی، ش ۳۷۶، ۲۲ / ۷ / ۱۳۵۹؛ میزان، ش ۱۹، ۱۳۵۹ / ۷ / ۹؛ جمهوری اسلامی، ش ۸۵۰، ۱۹ / ۲ / ۱۳۶۱، ش ۱۱۶۱، ۱۴ / ۳ / ۱۳۶۲، ش ۱۸۳۰، ۳۱ / ۶ / ۱۳۶۴؛ امید انقلاب، ش ۳۷۶، ۲ / ۶ / ۱۳۶۴؛ خراسان، ش ۹۸۷۱، ۲ / ۶ / ۱۳۶۴؛ کیهان، ش ۱۱۸۷۵، ۳ / ۳ / ۱۳۶۲، ش ۱۲۲۳۸، ۳ / ۶ / ۱۳۶۳، ش ۱۲۷۲۹، ۱۳ / ۲ / ۱۳۶۵) و معتقد بودند حیات انقلاب و مسلمانان

جهان در گرو پیروزی ایران در جنگ و سقوط رژیم صدام است (جلسه ۳۳۱ یکشنبه ۱۳ تیر ۱۳۶۱) الی جلسه ۳۹۸ سه‌شنبه ۷ دی ۱۳۶۱؛ (جلسه ۴۲۷ پنجشنبه ۵ اسفند ۱۳۶۱ الی جلسه ۴۸۶ سه‌شنبه ۱۴ تیر ۱۳۶۲)؛ (جلسه ۵۰۲ پنجشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۶۲ الی جلسه ۶۱۰ دوشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۶۳)؛ (جلسه ۳ پنجشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۶۳ الی جلسه ۴۶ یکشنبه ۶ آبان ۱۳۶۳)؛ (جلسه ۱۵۴ پنجشنبه ۱۳ تیر ۱۳۶۴ الی جلسه ۱۹۷ یکشنبه ۳ آذر ۱۳۶۴)؛ (جلسه ۳۵۰ سه‌شنبه ۲۵ آذر ۱۳۶۵ الی ۳۷۲ یکشنبه ۳ اسفند ۱۳۶۵) و (جلسه ۴۴۱ سه‌شنبه ۱۰ شهریور ۱۳۶۶).

نکته حائز اهمیت آن است که در میانه این شور، علاوه بر مخالفین جنگ در مجلس اول، عده کمی از نمایندگان در دوره دوم مجلس نیز، ادامه جنگ فرسایشی با عراق را در راستای اهداف امریکا برای حضور گسترده‌تر در منطقه خلیج فارس توصیف کرده و آن را خطری برای امنیت منطقه می‌دانستند (دوره دوم، جلسه ۴۵۵ سه‌شنبه ۱۴ مهر ۱۳۶۶). به دلیل این شرایط، بیات زنجانی معتقد بود برخی از نمایندگان مجلس به منظور اشراف بیشتر بر موضوعات جنگ، فراکسیونی با عنوان «عقلا در مجلس» تشکیل دادند تا به بحث و بررسی در خصوص مسائل جنگ پردازند (ارتباط شخصی، ۱۳۹۸/۷/۱۹). این گروه در اواخر بهار سال ۱۳۶۵، در جلسه خود با حضور حسن روحانی از اعضای شورای عالی دفاع، با اشاره به مشکلات جنگ و شرایط ایران، مسأله ختم جنگ را مطرح ساختند (علایی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۲۳۳). علی‌رغم این موضوع، اکثریت نمایندگان مجلس تا دوره سوم، همچنان بر ادامه جنگ با رژیم عراق در قالب راهبرد دفاع ملی تأکید می‌کردند.

مجلس سوم شورای اسلامی و ماده واحده ادامه جنگ

در این دوره به دلیل شرایط سیاسی به وجود آمده در کشور، فضای جدیدی در مجلس حاکم گردید؛ به گونه‌ای که جریان اسلام‌گرای مکتبی که با حذف اسلام‌گرایان لیبرال، قدرت را در اختیار داشتند، دچار اختلاف فکری شدند (فوزی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۰۷). اختلاف در زمینه‌های اقتصادی مابین گروه‌های اسلام‌گرا به تدریج در زمینه‌های دیگر نیز تسری یافت و سرانجام موجب انشعاب در جامعه روحانیت مبارز گردید. این جدایی منجر به آن شد تا نیروهای انقلابی در قالب دو جریان فکری جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز

در دوره سوم مجلس به رقابت پردازند. مجمع روحانیون مبارز یا همان جناح چپ سنتی و تندرو، با شعار پیروی از خط امام و رهبری توانستند اکثریت مجلس سوم را به دست بگیرند. در این دوره از مجلس، مجمع روحانیون مبارز از جمله مدافعان اصلی ادامه جنگ تا پیروزی نهایی و سقوط رژیم صدام به حساب می‌آمد.

طیف مذکور با توجه به اعتقاد خود مبنی بر مبسوط‌الید بودن رهبر در کلیه امور من جمله امور سیاسی، ضمن پذیرش نظرات امام در سیاست خارجی از جمله مسأله جنگ، ماده واحده‌ای را در این خصوص به مجلس ارائه نمود. علاوه بر این، تا آخرین روزهای پیش از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، بر ادامه جنگ و عدم پذیرش صلح تأکید داشت. این مسأله در حالی است که در همین زمان، اعضای شورای عالی دفاع و فرماندهان جنگ با توجه به شرایط بحرانی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تنها راه حل موجود را پایان بخشیدن به جنگ و پذیرش قطعنامه می‌دانستند. این موضوع نشان از بی‌اطلاعی اکثریت نمایندگان از نظرات و تصمیمات شورای عالی دفاع است.^۱

حامیان ادامه جنگ در ۱۴ تیرماه ۱۳۶۷، یعنی تنها چند روز قبل از پذیرش قطعنامه، با قید دو فوریت ماده واحده‌ای با عنوان «مبارزه مستمر با استکبار و ادامه جنگ با رژیم متجاوز عراق تا پیروزی کامل به عنوان استراتژی جمهوری اسلامی ایران» را به مجلس تقدیم و خواستار تصویب آن بودند (دوره سوم، جلسه ۱۳ سه‌شنبه ۱۴ تیر ۱۳۶۷). همچنین نمایندگان مذکور، با تأکید بر لزوم تصویب ماده واحده پیشنهادی، خواستار تشکیل کمیسیون ویژه‌ای در مجلس جهت برنامه‌ریزی به منظور تدوین استراتژی و تعیین شیوه‌های اجرایی آن با هدف بهبود شرایط ایران در جنگ بودند. ضمن آنکه کمیسیون دفاع مجلس

۱. جلال ساداتیان نماینده همدان در دوره چهارم و سفیر سابق ایران در انگلستان در این باره معتقد است که تمامی امور مرتبط با جنگ به هاشمی رفسنجانی ختم می‌گردید و به اعتبار ایشان عده بسیار کمی از نمایندگان مجلس به واسطه ارتباط با ایشان از موضوعات مهم و سری جنگ آگاهی داشتند و اکثریت نمایندگان از تصمیمات اساسی در خصوص پایان جنگ بی‌اطلاع بودند (ساداتیان، مصاحبه، ۱۳۹۸/۸/۲۰).

نیز با انتشار بیانیه‌ای، بر مبارزه جدی با دشمنان قسم خورده انقلاب خصوصاً آمریکا و صدام و پیگیری رهنمودهای امام مبنی بر اصلی بودن جنگ تأکید داشت (کیهان ۲۰/ ۴/ ۱۳۶۷). ضمن آنکه در همان روز بیش از دویست نفر از نمایندگان در نامه‌ای به امام، خواستار ادامه جنگ تا پیروزی کامل ایران شدند (دوره سوم، جلسه ۱۳ سه‌شنبه ۱۴ تیر ۱۳۶۷).

نکته حائز اهمیت در این میان، مخالفت هیئت رئیسه مجلس سوم با ماده واحده مذکور است. آنان با قرار دادن موضوع جنگ در حیطه اختیارات رهبری و همچنین با اشاره به حضور هاشمی رفسنجانی به عنوان فرماندهی قوا و اختیارات تفویض شده به وی از سوی امام، ضرورتی برای دخالت مجلس و طرح فوریت مذکور و علنی کردن مباحث مربوط به جنگ احساس نمی‌کردند؛ از این رو به مخالفت با ماده واحده مذکور پرداختند. در این میان، عدم پیگیری موضوع از سوی هیئت رئیسه مجلس به دلیل تعارض آن با اختیارات رهبری، موجب شد که ماده واحده مذکور، مسکوت شود.

تلاش برخی از نمایندگان به منظور تأثیر گذاری مجلس در جریانات جنگ موجب شد، که سه روز پیش از پذیرش قطعنامه، موضوع ماده واحده فوق، بار دیگر از سوی عده‌ای از نمایندگان، بالاخص مجید انصاری، نماینده زرند کرمان در مجلس مطرح شود که این بار نیز مانند گذشته، هیئت رئیسه مجلس با آن مخالفت کرد. مرتضی الویری نماینده تهران در مخالفت با این ماده واحده بیان کرد: «متن ماده واحده با اصل ۱۱۰ قانون اساسی تعارض دارد برای اینکه آن، اختیار جنگ و صلح را در اختیار رهبری قرار داده است. تبصره آن هم با فرمان اخیری که امام به جناب آقای هاشمی رفسنجانی دادند در تعارض است. چون در آنجا مشخص کردند که در بند ۷، این وظایف را به جانشین فرمانده کل قوا واگذار کرده‌اند. بنابراین اینکه در مجلس کمیسیون ویژه‌ای برای این کار تشکیل شود با فرمان امام تعارض دارد...» (دوره سوم، جلسه ۱۸ پنجشنبه ۲۳ تیر ۱۳۶۷). به همین خاطر، بار دیگر موضوع به دلیل رد شدن از سوی هیئت رئیسه مجلس کنار گذاشته شد. این در حالی است که تنها چند روز بعد از درخواست تصویب ماده واحده، امام قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت.

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و واکنش مجلس سوم

فرسایشی شدن جنگ و تأثیر آن بر شرایط اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی کشور و همچنین قدرت‌گیری بیشتر عراق به دلیل همراهی بین‌المللی، منجر به آن شد که رهبر با ادلهٔ مسئولان درگیر در جنگ، موضع‌گیری جدیدی را در دستور کار قرار دهد. بنابراین به منظور بررسی پذیرش یا عدم قبول قطعنامه در روز شنبه ۲۵ تیر ۱۳۶۷ براساس دستور امام، نشستی برگزار شد. ایشان در پیامی ضمن بیان نظرات خود، تصمیم‌گیری در مورد آیندهٔ جنگ را به این جلسه واگذار کردند. پس از بررسی موضوع، نظر این شورا به اطلاع امام رسید و با در نظر گرفتن شرایط موجود، قطعنامهٔ ۵۹۸ از سوی امام پذیرفته شد. هاشمی رفسنجانی در سال‌های بعد، عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری ایران برای خاتمه جنگ را مقابله جهانی با ایران، استفاده از عراق از سلاح‌های شیمیایی و ضربه به مردم دو کشور، تنگنای اقتصادی، بالا رفتن هزینه‌های جنگ و حمله موشکی امریکا به هواپیمای مسافربری ایران دانست (درودیان، ۱۳۹۵: ۴۴۱).

اعلام تصمیم امام مبنی بر پذیرش قطعنامه، مجلس را در شوک سیاسی فرو برد. زیرا برخی از نمایندگان مجلس تا آخرین روزهای پیش از پذیرش قطعنامه، همچنان بر ادامه جنگ اصرار داشته و پیروزی در این جنگ را وعده می‌دادند. شوک ناشی از خبر پذیرش قطعنامه، موجب شد که برخی از نمایندگان واکنش‌های متفاوتی داشته باشند. عده‌ای با اظهار شگفتی از پذیرش قطعنامه، خواستار توضیح مقامات مسئول بالاخص رئیس مجلس بودند. به‌طورمثال، علی فاضل همدانی نماینده کبودرآهنگ در این باره گفت: «... بعضی از برادران نظر داشتند که داستان قرارداد ۵۹۸ مانند جریان حدیبیه نیست بنده هم قبول دارم تفاوت زیاد دارد. به دنبال وعده‌ها ناگهان به جای اینکه وارد بیت‌المقدس و کربلا شویم و به دنبال آن وعده‌ها ناگهان قرارداد ۵۹۸ مطرح می‌شود... من از ریاست محترم مجلس می‌خواهم جلسات غیرعلنی را به‌صورت رسمی اجازه بدهند تا ببینیم چه دست‌هایی در این جریان بود و چه مسائلی پشت پرده بود که مسأله به اینجا منجر شد...». احمد محمود رباطی نماینده شهریار با درخواست توضیح از مقامات کشور برای چگونگی پذیرش مسأله بیان

کرد: «... خانواده شهدا مطیع امام هستند اما صداقت می‌خواهند نه اینکه تصور شود از پشت کوه آمده‌اند» (جلسه ۲۰ سه‌شنبه ۲۸ تیر ۱۳۶۷).

اما در این میان، اکثریت نمایندگان همچنان مانند گذشته معتقد بودند تصمیم ولایت امر در خصوص مسائل کشور بر تمامی تصمیمات و نظرات رجحان داشته و رهبر حکومت اسلامی بر طبق اختیارات خود عهده‌دار امور کشور است و مردم و مسئولین در جامعه اسلامی مطیع امر ولایت فقیه هستند، از این رو فرمان و نظر امام در پذیرش قطعنامه بر مردم حجت و همگان ملزم به پذیرش آن هستند (جلسه ۲۰ سه‌شنبه ۲۸ تیر ۱۳۶۷)؛ (جلسه ۲۱ پنجشنبه ۳۰ تیر ۱۳۶۷)؛ (جلسه ۲۲ سه‌شنبه ۴ مرداد ۱۳۶۷)؛ (جلسه ۲۳ یکشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۶۷) و (جلسه ۳۷ سه‌شنبه ۱۹ مهر ۱۳۶۷).

به‌عنوان مثال، مروت‌الله پرتو نماینده‌ی خدا بنده در حمایت از تصمیم امام بیان کرد:

جنگ ما بر اساس تکلیف بوده و اکنون قبول آتش‌بس نیز بر اساس تکلیف می‌باشد. آنچه تا به حال در مورد جنگ تصمیم‌گیری شده، نظر مبارک حضرت امام و اطاعت محض از دستورات ولی فقیه بوده لذا بر اساس قانون اساسی که اعلان صلح یا جنگ توسط ولی فقیه اعمال می‌شود، اینک نیز پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت بر اساس بررسی‌های حساب شده و با نظر مبارک امام اعمال شده است ... لذا بر همه کسانی که در این مرز و بوم زندگی می‌کنند اعلام می‌داریم که آنچه رهبر انقلاب اسلامی تا به حال تصمیم گرفته‌اند به صلاح اسلام و امت اسلامی بوده و اینک نیز مانند همیشه اطاعت از ولی امر بر ما واجب است (جلسه ۲۰ سه‌شنبه ۲۸ تیر ۱۳۶۷).

صادق خلخالی نماینده قم نیز در این باره گفت:

... امام تا دیروز می‌گفتند جنگ، ما جنگ می‌کردیم امروز وقتی که می‌گویند صلح، می‌گوییم علی‌الغین و رأس. با کمال اقتدار آتش‌بس را می‌پذیریم (جلسه ۲۱ پنجشنبه ۳۰ تیر ۱۳۶۷).

علی‌رغم اختلاف نظرهای نمایندگان در مقوله پایان جنگ، سرانجام با پذیرش نظر امام در مجلس، گفتمانی مشابه در اقناع پایان جنگ به وجود آمد و همگان خود را مکلف به پذیرش تصمیم جدید دانستند. بنابراین می‌توان گفت حسن ختام نظرات نمایندگان درخصوص قطعنامه ۵۹۸ را در این سخن حسین مظفری‌نژاد نماینده تهران خلاصه کرد: «هرچه که امام بفرماید ما حرف امام را بر قانون ارجح می‌دانیم».

نمایندگان مجلس با ارسال نامه‌ای به امام، در تأیید این امر و خاتمه موضوع، از تصمیم ایشان در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ حمایت کردند (جلسه ۲۱ پنجشنبه ۳۰ تیر ۱۳۶۷). نکته مهم در این میان آن است که اگرچه تصمیم امام مورد پذیرش مجلس قرار گرفت اما وجود نظرات مخالف برخی از نمایندگان، نشان از عدم اطلاع آنان از تصمیمات سران کشور و به‌نوعی گلايه‌مندی درخصوص بی‌اطلاعی نمایندگان از پایان جنگ است. این مسأله از خاطرات هاشمی رفسنجانی قابل دریافت است. وی در خاطرات خود در سال ۱۳۶۷ به این مطلب اشاره می‌نماید که: «در روز ۲۵ تیر ماه در جلسه جمعی از نمایندگان که دلواپسی از وضع جنگ داشتند، توضیحاتی درباره وضع جبهه‌ها و مشکلات بودجه و نیروها و راهکارهای احتمالی دادم که ذهن آنها برای مواجه شدن با پذیرش قطعنامه آماده شود». همچنین وی در ادامه می‌نویسد: «در روز ۲۷ تیر، با حضور نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان و... جلسه‌ای به منظور توضیح دلایل پذیرش قطعنامه شکل گرفت». هاشمی در جای دیگری در خاطرات خود در توضیح تشکیل این جلسه در مجلس می‌نویسد: «ساعت سه و نیم بعدازظهر به مجلس رسیدم، انعکاس جهانی خبر شروع شده بود و تلفن‌های مردم دوگانه بود؛ جمعی ابراز خوشحالی و جمعی اظهار ناراحتی می‌کردند. آقای خامنه‌ای در جلسه صحبت کوتاهی کردند و احمد آقا پیام امام را خواند و من علت تصمیم امام را توضیح دادم. پیام امام به گونه‌ای است که زمینه ابراز مخالفت را به کلی از حاضران سلب می‌کند و در نتیجه کسی ابراز نارضایتی نکرد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۰: ۱۹ و ۲۱۷).

تمامی مطالب فوق بر دو موضوع تأکید دارد: اول آنکه تمامی نمایندگان مجلس از تصمیمات گرفته شده درخصوص پایان جنگ اطلاع نداشته‌اند؛ چنانچه این امر در زمان

اخذ تصمیم به اطلاع آنها رسیده بود، نیاز به جلسه توجیهی در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ و آگاه نمودن مجدد نمایندگان نبود؛ ضمن آنکه هاشمی اشاره دارد در جلسه ۲۵ تیر، با برخی از نمایندگان حاضر در جلسه سخنی از پذیرش قطعنامه نداشته و فقط مشکلات ادامه جنگ را ذکر کرده است.

دوم اینکه بر طبق خاطرات هاشمی رفسنجانی، جلسه آگاه نمودن نمایندگان در ۲۷ تیر، یعنی دو روز پس از تصمیم قبول قطعنامه از سوی امام و در زمانی است که خبر پذیرش قطعنامه در جهان انعکاس یافته و مردم نیز از آن آگاهی یافته‌اند. این مسأله به آن معنی است که اکثریت نمایندگان مجلس - جدا از هیئت رئیسه و نزدیکان هاشمی رفسنجانی - از تصمیم امام و شورای عالی دفاع بی‌اطلاع بوده و پس از انتشار کامل خبر، به وسیله ریاست مجلس مطلع شدند. ضمن آنکه به نظر می‌رسد نبود مخالفت در این جلسه کوتاه در ۲۷ تیر، هم به دلیل تشکیل فوری آن و هم عدم آگاهی قبلی نمایندگان و نبود فرصت اندیشیدن آنها به موضوع است. لذا بحث‌های مفصل در خصوص این مسأله مابین نمایندگان، به جلسه علنی بعد موکول شد که در آن بعضی از نمایندگان به اظهار نظر متفاوت پرداختند. از دیگر دلایل آگاه نبودن نمایندگان از تصمیم پذیرش قطعنامه، سخن هاشمی رفسنجانی در پاسخ به سؤال مجید انصاری از عدم بررسی ماده واحده دو فوریتی و بایگانی نمودن آن در هیئت رئیسه مجلس است. هاشمی از جمله دلایل این عمل را شایبه ایجاد اختلال در دستور امام از سوی برخی از نمایندگان می‌داند. این نظر نیز، فرض مطلع نبودن اکثریت نمایندگان را به واقعیت نزدیک‌تر می‌نماید.

موانع اثرگذار بر تصمیم‌گیری مجلس در خصوص پایان جنگ

بررسی مباحث فوق‌گویای مسائل مهمی در زمینه موانع اثرگذاری مجلس شورای اسلامی در خصوص پایان جنگ است. بنابراین می‌توان مسأله کم‌رنگ بودن نقش مجلس در خاتمه جنگ ایران و عراق را از چند منظر مورد بررسی قرار داد. اولین مسأله، بحث اختیارات نهادهای مؤثر در سیاست خارجی کشور است. به موجب قانون اساسی، رهبری، دولت و

درباره زمانی مذکور شورای عالی دفاع و فرماندهان جنگ بیشترین سهم را در مسئله جنگ برعهده داشتند. براساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلی نظام از جمله در حوزه سیاست خارجی و نظارت بر حسن اجرای آنها برعهده مقام رهبری است. از جمله اختیارات نهاد رهبری در ارتباط با موضوع مورد بحث، اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروهاست. براساس قانون اساسی، دولت به‌عنوان رکن دوم در سیاست خارجی کشور، در جایگاه بعدی پس از نهاد رهبری قرار گرفته و به‌واسطه اختیارات قانونی، از موضع برتری نسبت به نهادهای هم‌ردیف خود در مسئله جنگ برخوردار است. در این میان، شورای عالی دفاع نیز در طی دوران جنگ، کلیه امور مربوط به جنگ را برعهده داشت. با توجه به سطح اختیارات نهادها در قانون اساسی، می‌توان گفت که مجلس در زمینه سیاست خارجی و به‌تبع آن مسئله جنگ، نسبت به نهادهای مورد اشاره، از اختیارات کمتری برخوردار است. همچنین در موضوع پذیرش قطعنامه، اگرچه در این دوران هاشمی رفسنجانی به‌عنوان رئیس مجلس در جلسات بررسی موضوع جنگ حضور داشته و دارای اختیاراتی از جمله نمایندگی امام در شورای عالی دفاع و جانشینی فرمانده کل قوا بوده و در اکثر تصمیمات گرفته شده در کشور در ارتباط با جنگ حضور فعالانه داشت، اما حضور منحصر به فرد او را نمی‌توان به معنای دخالت کامل مجلس تلقی نمود؛ زیرا مجلس با توجه به فلسفه وجودی و نحوه تشکیل آن، قائم به شخص نبوده و در حقیقت نماینده طیف وسیع مردم کشور به‌شمار می‌آید.

علاوه بر این، موضوع دیگر در ارتباط با مسئله پایان جنگ، نقش امام به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی و تأثیر شخصیت کاریزماتیک ایشان و اعتقاد نمایندگان به اختیارات ولایت فقیه و پشتیبانی از نظرات امام است. این امر مانع از آن می‌گردد که نمایندگان مجلس برخلاف نظر امام به اظهار نظر پرداخته و به مخالفت با دیدگاه‌های ایشان پردازند.^۱

۱. آیت‌الله بیات در این زمینه معتقد است ذهنیت اکثریت نمایندگان مجلس بر این بود هر تصمیمی که از سوی شخص امام در خصوص جنگ و مسائل کشور گرفته می‌شد، اکثریت نمایندگان از آن

علاوه بر این، با توجه به شرایط ویژه کشور و همچنین شرایط نامساعد بین‌المللی و به واسطه ممانعت از ضربه پذیری انقلاب نوپا، اجماع بر پذیرش و پیروی از نظرات رهبر در خصوص پایان جنگ بود.

نکته دیگر در این خصوص، عدم اطلاع نمایندگان از مسائل مهم و حیاتی جنگ به واسطه عدم هماهنگی و همکاری دولت و شورای عالی دفاع با مجلس در تبیین مسائل جنگ و آگاه نمودن این نهاد از جریانات سیاسی از طریق جلسات مشترک بود.^۱ اهمیت این موضع تا جایی است که برخی از نمایندگان با گلایه‌مندی از نهادهای تأثیرگذار در جنگ در مطلع نکردن مجلس از روند تصمیمات، معتقد بودند ادامه این روند، راه را برای کاهش قدرت مجلس در زمینه سیاست خارجی هموار می‌نماید (جلسه ۶۲ یکشنبه ۴ آبان ۱۳۵۹)؛ (جلسه ۶۴ دوشنبه ۱۲ آبان ۱۳۵۹)؛ (جلسه ۱۳۱ یکشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۶۰)؛ (جلسه ۳۱۰ یکشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۱)؛ (جلسه ۴۷۰ پنجشنبه ۵ خرداد ۱۳۶۲) و (دوره دوم، جلسه ۱۶ یکشنبه ۳۱ تیر ۱۳۶۳).

اما در این میان نمی‌توان از این مسأله غافل ماند که فلسفه و کارکرد مجلس در زمینه قانون‌گذاری در مسائل مختلف و عدم تمرکز بر یک موضوع خاص بالاخص موضوعات سیاسی و همین‌طور وجود طیف‌های مختلف افراد در مجلس با سلاقی و نظریات متفاوت، راه را برای هرگونه تصمیم‌گیری سریع و آنی در مسائل سیاسی حساس سد می‌نماید. از این رو مسأله فوق، یکی از نقاط ضعف مجلس در خصوص تصمیم‌گیری در مسائل مهم به مانند موضوع پذیرش قطعنامه است. ضمن آنکه کمبود افراد آگاه و آشنا به مسائل سیاست بین‌الملل به منظور تحلیل رویدادها در مجلس در بازه زمانی مذکور، از دیگر موضوعات

دفاع می‌نمود و با توجه به پذیرش اصل ولایت فقیه از سوی همگان، نظرات امام در خصوص جنگ فراتر از قانون اساسی مورد تأیید مجلس قرار داشت (بیات زنجانی، مصاحبه، ۱۳۹۸/۷/۱۹).

۱. بنابر نظر ساداتیان، این امر در راستای مسائل امنیتی و محرمانه بودن اقدامات مربوط به جنگ قابل تبیین است، زیرا مصلحت ایجاب می‌کرد که عده خاصی در جریان تصمیم‌گیری دخالت داشته و اصل محرمانگی در مسائل جنگی حذف گردد (ساداتیان، مصاحبه، ۱۳۹۸/۸/۲۰).

مهم در زمینه کم‌رنگ شدن نقش مجلس در تصمیم‌گیری پایان جنگ می‌باشد. بنابراین علی‌رغم توجه ویژه نمایندگان به موضوع جنگ، وجود موانع فوق، عرصه را بر اثرگذاری مجلس تنگ نموده و گستره تصمیم‌سازی مجلس را با محدودیت مواجه می‌نماید.

مجلس شورای اسلامی و پایان جنگ

پس از پذیرش قطعنامه، برخی از نمایندگان موافق ماده واحده ارائه شده به مجلس، بار دیگر موضوع ماده واحده مذکور را پیش کشیده و با تذکر درخصوص بایگانی شدن آن، خواهان توضیح هیئت رئیسه مجلس شدند. رئیس مجلس به منظور خاتمه دادن به موضوع مورد بحث و به منظور عدم ایجاد اختلال در مجلس اعلام داشت رد یا قبول ادامه جنگ منوط به نظر امام بوده و مجلس حق دخالت در این موضوع را ندارد؛ ضمن آنکه موضوع سیاست خارجی و همچنین مباحث مربوط به قطعنامه از سوی امام به وزارت خارجه واگذار شده است و چون شایبه ایجاد اختلال در دستور امام از سوی برخی از نمایندگان احساس شد، ماده واحده مذکور مورد بررسی قرار نگرفت. بنابراین مطلبی که از اختیارات امام است و مربوط به مجلس نیست، قادر به طرح در مجلس نمی‌باشد (جلسه ۴۶ سه‌شنبه ۱۰ آبان ۱۳۶۷).

این مطلب در حالی از سوی هاشمی رفسنجانی مطرح گردید که ایشان در سال ۱۳۵۹، در آغازین روزهای جنگ در مجلس بر این مطلب تأکید کرد که «سیاست کلی کشور که مجلس ترسیم‌کننده اصلی آن است در نهایت باید در مجلس تصمیم‌گیری شود. در تصمیم‌نهایی که سرنوشت صلح و یا ادامه جنگ و اینکه به کجا باید بینجامد، چیزی است که مجلس از آن برکنار نیست و بلکه در اختیار مجلس است» (جلسه ۵۳ یکشنبه ۶ مهر ۱۳۵۹).

همچنین وی در مصاحبه هفتگی خود در همان سال، در پاسخ به این سؤال که: «چگونه اتخاذ تصمیم‌نهایی جنگ با مجلس است در حالی که اعلان جنگ و صلح از وظایف و اختیارات رهبری است» گفت: «به نظر من اتخاذ تصمیم‌نهایی درباره آتش‌بس و یا ادامه

جنگ با مجلس است. همچنان که در قانون اساسی قید شده هر قراردادی که با خارج بسته شود باید مجلس آن را تصویب کند و قرارداد بدون تصویب مجلس نمی‌شود و پایان این جنگ بدون عقد قرارداد و روشن شدن حقوق و وجوب آن پایان واقعی نیست و این با مجلس است ولی صلح از اختیارات رهبری است که به مجلس مربوط نیست» (میزان، ۱۳۵۹/۷/۸).

نتیجه‌گیری

نمایندگان مجلس شورای اسلامی پس از آزادی خرمشهر به دلایلی چون پیروی از ایدئولوژی اسلامی - انقلابی، نبود پیشنهاد صلح مناسب، مقابله با مخالفین ادامه جنگ و حمایت از تصمیمات و نظرات رهبر و شورای عالی دفاع، تا سال‌های پایانی همچنان خواهان ادامه جنگ با رژیم بعث بودند. با توجه به شرایط حساس این برهه زمانی، بسیاری از نمایندگان تا پیش از اعلام پذیرش قطعنامه از سوی امام، از تصمیم‌گیری فوق‌بی‌اطلاع بوده و پس از اعلام آن در مجلس، از سوی برخی از نمایندگان نظرات متفاوتی را در پی داشت. با توجه به این امر از جمله دلایل تأثیرگذاری اندک نمایندگان در تصمیم‌گیری پایان جنگ را می‌توان در مسائلی چون حساس و محرمانه بودن موضوعات، عدم همکاری و هماهنگی مابین مجلس و نهادهایی چون شورای عالی دفاع در مطلع نمودن مجلس از جریانات جنگ، وجود اختیار تصمیم‌گیری در خصوص جنگ یا صلح برای نهاد رهبری و عدم حق دخالت نمایندگان در این تصمیم، کم‌کاری مجلس و کمیسیون سیاست خارجی در برقراری ارتباط بهتر با نهادهای درگیر در جنگ و کندی روال تصمیم‌گیری در مجلس دریافت. اگرچه نمایندگان در هر سه دوره مجلس در تلاش بودند تا نقش فعال‌تر و اثرگذارتری در موضوع جنگ داشته باشند اما موانع موجود، موجب کم‌رنگ شدن نقش مجلس در اثرگذاری بر مقوله پایان جنگ گردید.

منابع

- ارجینی، حسین و عیسی مولودی وردجانی. (تابستان ۱۳۹۶) «تحلیل و بررسی عملکرد نهضت آزادی در جنگ تحمیلی و مواجهه با انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۴، شماره ۴۹، صص ۹۵-۱۱۴.
- امید انقلاب. (۱۳۶۴/۶/۲)، شماره ۱۱۱.
- انقلاب اسلامی. (۱۳۵۹/۷/۲۲)، شماره ۳۷۶.
- بسطامی، رضا. (زمستان ۱۳۹۲) «بررسی تطبیقی عملکرد مجلس شورای اسلامی در دوره اول و دوم»، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم سیاسی.
- بیات زنجانی، اسدالله. (۱۳۹۸/۷/۱۹) مصاحبه.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۷) «انتظام در پراکندگی؛ بحثی در امنیت ملی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره ۲، صص ۱۱۷-۱۲۸.
- خمینی (امام)، روح الله. (۱۳۸۹) صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم.
- درودیان، محمد. (۱۳۸۳) نقد و بررسی جنگ ایران و عراق؛ علل تداوم جنگ، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- ----- (۱۳۹۵) تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق؛ پیش درآمدی بر یک نظریه، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- روزان، باری. (۱۳۷۹) انقلاب ایران؛ ایدئولوژی و نمادپردازی، ترجمه سیاوش مریدی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- رضایی، علیرضا. (بهار ۱۳۸۸) «تحلیل سیاست خارجی ایران در پرتو نظریه‌های روابط بین الملل»، راهبرد یاس، شماره ۱۷، صص ۲۶۰-۲۸۸.
- روزنامه اطلاعات. (۱۳۶۱/۱۲/۲۴)، شماره ۱۶۹۶۸.
- ----- (۱۳۶۲/۳/۱۴)، شماره ۱۷۰۲۶.
- روزنامه جمهوری اسلامی. (۱۳۵۹/۱۲/۱۱)، شماره ۵۰۶.
- ----- (۱۳۶۱/۲/۱۹)، شماره ۸۵۰.
- ----- (۱۳۶۲/۳/۱۴)، شماره ۱۱۶۱.

- ----- (۱۳۶۴/۶/۳۱)، شماره ۱۸۳۰.
- ----- (۱۳۶۷/۳/۱۱)، شماره ۲۶۱۱.
- روزنامه خراسان. (۱۳۶۴/۶/۲)، شماره ۹۸۷۱.
- روزنامه کیهان. (۱۳۶۲/۳/۳) شماره ۱۱۸۷۵.
- ----- (۱۳۶۳/۶/۳)، شماره ۱۲۲۳۸.
- ----- (۱۳۶۵/۲/۱۳)، شماره ۱۲۷۲۹.
- ----- (۱۳۶۷/۴/۲۰)، شماره ۱۳۳۶۷.
- زیباکلام، صادق و فرشته اتفاق فر. (۱۳۸۷) مصاحبه با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، هاشمی بدون روتوش، تهران: نشر روزنه.
- ساداتیان، سیدجلال. (۱۳۹۸/۸/۲۰) مصاحبه.
- سیف‌زاده، سید حسین. (اردیبهشت ۱۳۸۳) «قوه مقننه و سیاست خارجی ۱. نقش قوه مقننه در سیاست خارجی؛ تنوع رویکردها»، بولتن مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۶۹۷۲، کد موضوعی ۴۱۰.
- ----- (۱۳۸۷) «نقش قوه مقننه در سیاست خارجی، تنوع رویکردها»، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲، صص ۱۴۱-۱۶۶.
- شیروودی، مرتضی. (مهر ۱۳۸۴) «جنگ، انواع، انگیزه‌ها و جنگ تحمیلی»، رواق اندیشه، شماره ۴۶، صص ۳-۲۲.
- صباغیان، هاشم. (۱۳۹۸/۶/۱۴) مصاحبه.
- علایی، حسین. (۱۳۹۵) تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق، تهران: نشر مرزوبوم.
- فوزی، یحیی. (۱۳۸۷) تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، تهران: انتشارات عروج.
- کاظمی، علی‌اصغر (پاییز و زمستان ۱۳۶۸) «مفهوم آتش‌بس، ترک محاصره و متارکه جنگ از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، مجله حقوق بین‌المللی، شماره ۱۱.
- کلاوزویتس، کارل فون. (۱۳۹۳) در باب ماهیت جنگ، ترجمه مرضیه خسروی، تهران: انتشارات روزگار نو.
- مشروح مذاکرات دوره اول مجلس شورای اسلامی، (۷ خرداد ۵۹-۶ خرداد ۱۳۶۳).

- مشروح مذاکرات دوره دوم مجلس شورای اسلامی (۷ خرداد ۱۳۶۳-۶ خرداد ۱۳۶۷).
- مشروح مذاکرات دوره سوم مجلس شورای اسلامی (۷ خرداد ۱۳۶۷-۶ خرداد ۱۳۷۱).
- موسوی‌نیا، سیدرضا. (تیر ۱۳۸۹) «الگوهای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران»، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- میزان. (۱۳۵۹/۷/۷) شماره ۱۷.
- ----- (۱۳۵۹/۷/۸)، شماره ۱۸.
- ----- (۱۳۵۹/۷/۹)، شماره ۱۹.
- نبرد ملت. (۱۳۶۰/۴/۱۳) شماره ۴۳.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۲) کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۲؛ آرامش و چالش، به اهتمام مهدی هاشمی، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- ----- (۱۳۹۰) کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۷؛ پایان دفاع، آغاز بازسازی، به اهتمام علیرضا هاشمی، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- یزدی، ابراهیم. (شهریور ۱۳۷۷) «نهضت آزادی: دوران فراز، روزگار فرود: ناگفته‌هایی از دوران انقلاب و بعد از آن»، گزارش، شماره ۹۱، صص ۱۲-۲۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی